



مادر؛ مسئول اصلاح رفتار خانواده با محیط زیست

به باغچه‌شان شیوه آبیاری قطره‌ای را پیاده می‌کنند، به طور خودجوش به پاک‌سازی طبیعت از زباله‌های انسانی همت می‌کنند، و حواسشان به کاهش اتلاف انرژی و پاسداری از طبیعت هست. این رفتار مثبت با محیط با توجهی که والدین به این امور داشته‌اند برای آنان از کودکی درونی شده است یا در بزرگسالی با آگاهی یافتن از اهمیت تبادل مثبت با محیط، حساسیت به رفتار خردمندانه در برابر انرژی‌هایی مانند برق و آب و محافظت طبیعت مانند پاک‌سازی از زباله را در خود افزایش داده‌اند. می‌توانیم از فرزند پدری که خودروش را با آب شرب یا مادری که حیاط را با آب شرب می‌شوید یا به جای استفاده از جارو برای تمیز کردن زباله‌ها، از فشار آب استفاده می‌کند و حیاط و پیاده‌رو جلو خانه را می‌شوید انتظار داشته باشیم با آب رفتاری خردمندانه داشته باشد؟ از مادری که در خودرو، ظرفی برای زباله ندارد و زباله‌ها کف خودرو رهاست انتظار داشته باشیم پس از خروج از جلسه آموزشی کوتاهی درباره محیط زیست، بتواند به فرزندش بیاموزد زباله‌هایش در محیط‌های شهری یا طبیعی را جمع‌آوری کند.

نباید در پناهگاه رها کرد یا مردمی که از رودخانه و بیابانات بهره‌مند می‌شوند، نمی‌دانند حفظ این طبیعت به عملکرد آنان وابسته است؟ چه می‌شود که برخی افراد با محیط زیست خود اعم از محیط شهری و محیط طبیعی رفتاری خردمندانه و تضمین‌کننده بقا ندارند؟ درونی نشدن ضرورت محافظت فردی از محیط و توجه سطحی به مسئله تعامل با محیط سبب شده است محافظت از محیط به عادت رفتاری تبدیل نشود. شاید شما هم با افرادی روبه‌رو شده باشید که وقتی در یک محیط تردد می‌کنند، به آن واکنش نشان می‌دهند؛ مثلاً چراغ‌های روشن مانده را خاموش می‌کنند یا شیلنگ آب رها شده در آسفالت را به چمن برمی‌گردانند، برای آب دادن

می‌بینم بطری‌های خالی آب، دستمال‌های مچاله‌شده، کاغذ یادداشت و زباله چپیس است و آنجا بیشتر به یک سطل زباله شباهت دارد. با خودم می‌اندیشم آیا این مادر می‌تواند مربی مناسبی برای فرزندش باشد! یک مثل قدیمی می‌گوید: رطب خورده منع رطب چون کند؟! این مشاهده در میدان، من را به یاد فیلم یک کوهنورد در فضای مجازی انداخت که ضمن پاک‌سازی یک پناهگاه به انبوه زباله‌های موجود در آنجا که بیشتر شامل پلاستیک بطری‌های خالی و زباله بسته چپیس و تنقلات است اشاره می‌کند، زباله‌هایی که ۲ گونی بزرگ را پر می‌کند و هنوز هم باقی است. آیا کوهنوردانی که باید مصداق روشن حمایت از طبیعت باشند نمی‌دانند زباله را

یک کارگروه آموزشی برای مادران تشکیل شده است تا به آنان بیاموزند با تفکیک زباله در منزل، عادت دادن کودکان به انداختن زباله در سطل‌های تعبیه‌شده در خیابان‌ها، نشکستن شاخه‌های درختان و نهال‌های معابر، آب دادن به گیاهان و کاشتن درخت در روز درخت‌کاری، فرهنگ «شهر من خانه من» و احترام به محیط زیست را برای اعضای خانواده درونی کنند. تقریباً همه جمله‌های کلیشه‌ای و معمول درباره اهمیت محیط زیست و توجه به منابع طبیعی برای بقای انسان و مهربان بودن با طبیعت به صورت فشرده در ۲ ساعت جلسه آموزشی مطرح می‌شود. پس از پایان جلسه، یکی از مادران برای گذاشتن وسایلش درون خودرو، در آن را باز می‌کند. آنچه کف اتومبیل

دکتر
مهتاب
علی‌نژاد
جامعه‌شناس

هنگامه

هر مادر، یک سفیر

اگر هر مادر یک سفیر اصلاحات رفتار عملی با محیط زیست در زندگی خانواده خود باشد گام سازنده و مؤثری خواهد بود. محیط زیست ابعاد وسیع و حوزه‌های مختلفی دارد از مصرف انرژی گرفته تا حفاظت از فضای سبز و خاک، از گلدان و باغچه خانه و شهر تا لایه اوزون، اما در همه موارد، مهم این است که عمل‌گرایی جایگزین منفعل بودن شود. از گام‌های کوچک آغاز کنید، از محیط خانه، و هنگامی که برای خودتان درونی شد، برای فرزندتان نیز عادت می‌شود. در گام‌های اولیه از آرمان‌گرایی‌های گسترده دست بردارید زیرا سنگ بزرگ نه همیشه اما بیشتر علامت نردن است. به اصلاحات کوچک در رفتارشان بسنده کنید. دقت کنید اثری که از خود بر محیط اطراف می‌گذارید، از اماکن عمومی شهری گرفته تا طبیعت، اثر زباله یا تخریب نباشد. نگاه خردمندانه به مصرف انرژی، محیط و طبیعت می‌تواند چراغ راه باشد. روزگاری را تصور کنید که هر مادر علاوه بر آنکه خود با محیط زیست رفتاری بهنجار و مثبت دارد، ناظر رفتار صحیح با محیط زیست از سوی فرزندانش باشد. رفتار خردمندانه با محیط را از خانه و اتومبیل خود آغاز کنید و در کوچه و خیابان و طبیعت گسترش دهید. از سطح ساده واکنش به رهاسازی زباله آغاز کنید و به سطح پیچیده تلاش برای حفاظت از کره زمین برای نسل‌های آینده گسترش دهید.

نیاز به راهکار بلندمدت در آموزش

ما با فرهنگی نامأنوس با محیط زیست رشد یافته‌ایم و در کتاب‌های آموزشی نسل‌هایی که اکنون والدینی جوان هستند، سخنی از شناخت طبیعت و روش‌های زندگی مسالمت‌آمیز با انرژی‌های طبیعی نبوده است. درونی نشدن ضرورت توجه به محیط زیست و بهره‌برداری ناصحیح از طبیعت و مصرف‌گرایی بی‌رویه محصولات انسانی اگرچه در نخستین مرحله متوجه سرمایه‌داری و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی برای بقای سرمایه‌داری است، نمی‌توان کم‌کاری نهادهای آموزشی و سیاست‌گذاران فرهنگی در میدان نظام مدیریتی جامعه و غفلت مادران و پدران به‌ویژه مادران را در سیستم دانش‌افزایی فردی نادیده گرفت. هرچند در مطالبه‌گری برای سوق دادن سیاست‌گذاران جامعه به ضرورت توجه به محیط زیست به شکلیابی و راهکاری بلندمدت نیاز است، در عرصه دانش‌افزایی والدین و افزایش حساسیت نظری به محیط زیست، امکان مانور بیشتر و نتیجه‌بخشی در کوتاه‌مدت وجود دارد. ضرورت است هر مادر متعهدی که مسئولیت یک خانواده و فرزندپروری را بر عهده گرفته است در اصلاح رفتار خود با محیط زیست کوشا شود، از موارد ریز و کوچک در زندگی فردی خودش آغاز کند.